

# عربی یازدهم انسانی



## الدرس السادس

إِرْحَمُوا عَزِيزاً ذَلَّ، وَغَنِيّاً افْتَقَرَ، وَعَالِماً  
ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
دلسوزی کنید بر ارجمندی که خوار شده، و دارایی که ندار شده، و  
دانایی که میان نادانها تباه شده است.

تهیه و تدوین  
مهندس حسین خلیلی

مُضَر : نام قبیله ای  
 مَكْرَمَة : بزرگواری «جمع: مَكَارِم»  
 مَكْرُوب : اندوهگین  
 مُلْك : پادشاهی  
 يَحْمِي : پشتیبانی می‌کند (ماضی: حَمَى)  
 يُطْعِمُ : خوراک می‌دهد (ماضی: أَطْعَمَ)  
 يُعِينُ : کمک می‌کند (ماضی: أَعَانَ)  
 = سَاعَدَ، نَصَرَ  
 يُفْرِجُ عَنِ الْمَكْرُوبِ : اندوه غمگین  
 را می‌زداید (ماضی: فَرَّجَ ...)

ذَلَّ : خوار شد (مضارع: يَذِلُّ)  
 رَدَّ : برگردانید (مضارع: يَرُدُّ)  
 سَابِقُ : پیشتاز  
 سَلَام : آشتی = صَلَح ≠ حَرْبُ  
 شَدَائِدُ : گرفتاری‌ها، سختی‌ها  
 صَفِيٍّ : برگزیده «جمع: أَصْفِيَاءُ»  
 ضَاعَ : تباه شد، گم شد (مضارع: يَضِيعُ)  
 عَرَضُ : ناموس، آبرو «جمع: أَعْرَاضُ»  
 فَكَّ : باز کرد، رها کرد (مضارع: يَفْكُ)  
 لَا تَزَالُ : پیوسته

أَجُودٌ : بخشنده‌تر، بخشنده‌ترین  
 أُحْتَفِرَ : خوار شد (أَحْتَفَرُ، يَحْتَفِرُ)  
 أَسَرَ : اسیر کرد (مضارع: يَأْسِرُ)  
 أَسْلَمَ : مسلمان شد (مضارع: يُسَلِمُ)  
 أَسْرَى : اسیران «مفرد: أَسِيرٌ»  
 أَطْلَقَ : رها کرد (مضارع: يُطَلِقُ)  
 إِفْتَقَرَ : فقیر شد (مضارع: يَفْتَقِرُ)  
 أَهْلٌ : خانواده = أُسْرَةٌ  
 خَائِبٌ : ناامید  
 خَصَلَةٌ : ویژگی «جمع: خِصَالٌ»

x ✓



عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



- ۱- قَالَ عَدِيٌّ يَا أُخْتِي، إِنِّي رَأَيْتُ خِصَالًا مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي. ✗
- ۲- فَلَمَّا أَطْلَقَ النَّبِيُّ ﷺ سَفَانَةَ، عَادَتْ إِلَى أُخْيَاهَا. ✓
- ۳- كَانَ حَاتِمٌ يَرُدُّ مَنْ أَتَاهُ فِي حَاجَةٍ خَائِبًا. ✗
- ۴- حَاتِمُ الطَّائِيُّ مَعْرُوفٌ بِالْكَرَمِ. ✓
- ۵- أُسْرَتُ سَفَانَةَ فِي غَزْوَةِ أُحُدٍ. ✗



۱ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التَّوْبَةُ : ٤٠

..... ناراحت نباش، همانا خداوند با ما است

۲ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ الرَّعْدُ : ١١

همانا خداوند - سرنوشت - هیچ قومی را تغییر نمیدهد مگر آنکه خودشان تغییر

۳ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ دهند

ظلم نکن، همانطور دوست نداری به تو ظلم شود، و نیکی کن همانگونه دوست داری به تو نیکی شود

چند نکته:

■ نکته (۱) : فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ نکته (۲) : ترجمه فعلی مانند «لِيَعْلَمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است؛

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْأَمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَّابَ لِتَعَلُّمِ دُرُوسِهِمْ فَلِيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ

لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون‌ها دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند و باید این را

بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ نکته (۳) : حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لَ» تبدیل می‌شود؛ مثال:

لَهَا، لَهُمْ، لَهِنَّ، لَهُمَا، لَكَ، لِكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُمْ، لَنَا.

در «لي» این گونه نیست.

■ نکته (۴): تاکنون با دو نوع حرف «لِ» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط داخل متن امکان دارد:

- ۱- «لِ» به معنای «مالِ، از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم‌کارت مالِ کیست؟»  
 «لِ» به معنای «برای» مانند «اشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».  
 «لِ» به معنای «داشتن» مانند «لِي شَهَادَةٌ فِي الحَاسِبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».
- ۲- «لِ» به معنای «باید» مانند «لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».  
 «لِ» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى المَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «لِ» پس از حرف‌هایی مانند «و، فَ» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:  
 ف + ل + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ القَوَاعِدِ.

- ۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ آفَاتِحَةٌ: ۲ ستایش برای پروردگار جهانیان است
- ۲ بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ. پیامبر برای هدایت مردم مبعوث شد
- ۳ لِنَسْتَمِعَ إِلَى الكَلَامِ الحَقِّ. باید به سخن حق گوش دهیم
- ۴ لِمَنْ هَذِهِ الجَوَازَاتُ؟ این گذرنامه برای کیست؟





التمرين الأول: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- خائب ..... ١- الَّذِي لَا رَجَاءَ لَهُ لِلنَّجَاحِ فِي هَدَفِهِ:
- افتقر ..... ٢- أَصْبَحَ فَقِيرًا وَلَا ثَرَوَةً لَهُ:
- مكروب ..... ٣- الَّذِي حُزْنُهُ كَثِيرٌ:
- أهل ..... ٤- الْأُسْرَةَ وَالْأَقْرِبَاءَ:
- يطعم ..... ٥- أَعْطَاهُ الطَّعَامَ:

التمرين الثاني: اكْمِلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ<sup>١</sup> مِنْ سَعَتِهِ﴾ الْطَّلَاق: ٧  
توانمند از توانمندی خودش باید انفاق کند .....  
الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ
- ٢- ﴿وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ يُونُسَ: ٦٥  
سخنشان تو را ..... ناراحت نکند ..... ؛ زیرا ارجمندی، همه از آن خداست. الْفَاعِلَ
- ٣- ﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ...﴾ الْأَنْعَامَ: ١٢١  
و از آنچه نام خدا بر آن ..... خوانده نشده ..... نخورید. نَائِبَ الْفَاعِلِ وَالْمُضَافِ إِلَيْهِ
- ٤- ﴿أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا...﴾ ق: ٦  
جمع مذکر غائب  
آیا مگر به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه آن را ساخته ایم؟! الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ وَ صِيغَتَهُ
- ٥- ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ...﴾ التَّوْبَةَ: ١٠٤  
آیا ..... نمیدانستند ..... که تنها خداست که از بندگان توبه را می پذیرد؟ الْجَارَ وَالْمَجْرُورَ
- ٦- ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ...﴾ النَّسَاءَ: ١٥٢

و کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند و میان هیچ یک از آنان ..... فرقی نگذاشتند  
[خدا] مزدهایشان را به آنها خواهد داد. الْمَفْعُولَ

١- ذُو سَعَةٍ: توانمند سَعَةً: توانمندی ٢- بَنَيْنَا: ساختیم ٣- يُؤْتِي: می دهد ٤- أَجْر: مزدها «مفرد: أجر»

التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ: اِقْرَأِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ائْتَحِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

- (الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.
- (ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الْحَجُّرَات: ۱۴

بادیه نشینان گفتند: ...

- (الف) ... «ایمان می آوریم.» بگو: «ایمان نمی آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می مانیم.»
- (ب) ... «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم.»

۳- ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الزُّمَر: ۵۲

- (الف) آیا ندانسته اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می گستراند؟
- (ب) آیا نمی دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می کند؟

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ \* وَلَمْ يُولَدْ \* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

سورة الإِخْلَاصِ

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی نیاز است ...

- (الف) ... نمی زاید و زاده نمی شود و کسی همانندش نیست.
- (ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش همتا نبوده است.

۴- اَلْكَفُو: همتا

۳- وَكَلَدَ: زایید (مضارع: يَلِدُ)

۲- الصَّمَدُ: بی نیاز

۱- اَسْلَمَ: اسلام آورد



۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ<sup>۱</sup> مِنْ جُوعٍ<sup>۲</sup> وَآمَنَهُمْ<sup>۳</sup> مِنْ خَوْفٍ﴾

سورة قُرَيْشِ

پس پروردگار این خانه را...

- (الف) ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.
- (ب) ... باید بپرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.



۳- آمَنَ: ایمن کرد، ایمان آورد

۲- الْجُوع: گرسنگی

۱- أَطْعَمَ: خوراک داد

تماس با مهندس خلیلی



+989109301019

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرَجِّمِ الْجُمْلَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عَيِّنْ صِيغَةَ الْأَفْعَالِ فِيهَا.

- ١- لَا تَرْجِعْ إِلَى بَيْتِكَ: **مفرد مذكر مخاطب** به سوی خانه ات بازنگرد
- ٢- لَمْ يَرْجِعْ صَدِيقِي: **مفرد مذكر غائب** ..... دوست من بازنگشت
- ٣- أَخَوَاتِي لَمْ يَرْجِعْنَ: **جمع مونث غائب** ..... خواهرانم بازنگشتند
- ٤- لَا يَرْجِعْ صَدِيقِي: **مفرد مذكر غائب** ..... دوستم نباید بازگردد
- ٥- أُخْتِي لَا تَرْجِعُ: **مفرد مونث غائب** ..... خواهرم باز نمی گردد

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- أَنَا ..... فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ  لَمْ أُسَافِرْ  لِكِي أُسَافِرَ
- ٢- عَلَيْكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ ..... فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَيَأَسَ  كِي تَيَأَسَ  لَا تَيَأَسَ
- ٣- أُرِيدُ ..... إِلَى سَوْقِ الْحَقَائِبِ. أَنْ أُذْهَبَ  لَمْ أُذْهَبَ  إِنْ أُذْهَبَ
- ٤- هُوَ ..... إِلَى الْمَلْعَبِ عَدَاً. لَنْ يَرْجِعَ  مَا رَجَعَ  لَمْ يَرْجِعْ
- ٥- مَنْ ..... يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ  لَا يَجْتَهِدُ  يَجْتَهِدُ

تماس با مهندس خلیلی

+989109301019



الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

- الف ۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ
- ب ۲- أَلْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- هـ ۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- و ۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ
- د ۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ
- ج ۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الف) کم کومی وگزیده کومی چون در	تا زانندک تو جهان شود پر (نظامی گنجه‌ای)
ب) علم کنز اعمال نشانش نیست	کالبدی دارد و جانش نیست (امیر خسرو دهلوی)
ج) اندازه نکه دار که اندازه نکوست	هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی)
د) روزگار است آن که که عزت دهد که خوار دارد	چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد (قائم مقام فرغانی)
ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است	با دوستان مروت با دشمنان مدارا (حافظ)
و) دشمن دانا که غم جان بود	بهتر از آن دوست که نادان بود (نظامی گنجه‌ای)